

خود را برای مبارزه‌ای طولانی آماده کنیم!

(به مناسبت سالگرد کشتار ۱۶ آذر ۱۳۳۳)

بزودی ۱۶ آذر، روز کشتار بی‌رحمانه‌ی سه دانش‌جوی دانشکده‌ی فنی توسط نیروهای مسلح فرماندارنظامی تهران، در اعتراض به سفر نیکسون نماینده‌ی امپریالیسم کودتاگر آمریکا، فرا می‌رسد. طی نیم قرن گذشته مداخلات امپریالیستها در ایران لحظه‌ای قطع نشده است. زیرا ایران کشوری است غنی از نظر منابع زیر زمینی، نیروی کار ارزان، بازاری وسیع و چهار راه ورود به آسیای میانه و غیره. رژیمهای حاکم نیز طی این مدت یا نظیر رژیم شاه نوکر بی قید و شرط آمریکا بوده و یا اساساً دست در دست امپریالیستهای اروپا و ژاپون و درخفا آمریکا (رژیم جمهوری اسلامی) عمل کرده، اما پیوسته به سرکوب مردم پرداخته و تا آن جا که در توان داشته اند به غارت هستی مردم و منابع کشور پرداخته اند.

دانش‌جویان طی نیم قرن گذشته، مبارزه برای استقرار آزادی در ایران را هرگز رها نکرده و در این راه جان باخته، زندانی شده، شکنجه فراوانی را تحمل کرده و از دانش‌گاه اخراج شده اند.

محیط علمی دانش‌گاه، هیچ‌گاه سرسازش با دیکتاتورها و مرتجعین کوراندیش نداشته و علیرغم سرکوبهای وحشیانه، دانش‌گاههای ایران به مثاله یکی از مراکز مقاومت و مبارزه پیوسته پابرجا بوده اند. دانش‌جویان شاخکهای حساس جنبش توده‌های مردم بوده و معضلات جامعه سریعاً انعکاس خود را در دانش‌گاهها یافته اند.

اما چرا باوجود این همه مبارزه، دانش‌جویان نتوانسته اند در عرصه‌ی خواسته‌های دموکراتیک و از جمله در رابطه با خودشان، به موفقیت‌های چشم‌گیری برسند؟ سه علت اساسی را می‌توان در این رابطه ذکر کرد: (۱) وجود دشمنان داخلی و خارجی به شدت سرکوب‌گر که حاضر به قبول کوچک‌ترین حقوق مردم و دانش‌جویان نیستند؛ (۲) عدم یک‌پارچه‌گی مبارزاتی در صفوف دانش‌جویان و تلاش رژیم در ایجاد تفرقه در بین آنان؛ (۳) عدم پیوند فشرده‌ی آنان با جنبشهای کارگران و زحمت‌کشان.

ناگفته پیداست که هر سه‌ی این مشکلات، تنها طی مبارزه‌ای دراز مدت قابل حل اند. موضع و عمل کرد دانش‌جویان در کلیت خود به دلیل نتمشخص بودن وضعیت طبقاتی شان به هنگام تحصیل، شرکت ناپیگیری در مبارزات مردم از خود نشان داده و اکثریت عظیم بیش از ۶۰ تا ۷۰٪ از آنها حتی در مبارزات دانش‌جویی شرکت نمی‌کنند. هرچندکه به دلیل وابسته‌گی طبقاتی شان به اقلیت متوسط و بالای جامعه، پیوندی طبیعی با کارگران و زحمت‌کشان نداشته و برای ایجاد چنین پیوندی باید راههای پُریچ و خمی را طی کنند. به همین علل تلاشهای جانانه‌ی دانش‌جویان آگاه و مبارز به تنهایی، کافی برای ایجاد تغییر اوضاع به سود توده‌های مردم، نمی‌باشد.

ضروری است دانش‌جویان با جمع‌بندی از گذشته‌ی پرافتخار مبارزاتی شان، از یک سو برای دفاع از منافع صنفی و سیاسی خود هرچه بیشتر متشکل شوند و از سوی دیگر از طریق شرکت در مبارزات کارگران و زحمت‌کشان و پیوستن به صف کمونیستهای راستین برای ایجاد تغییری بنیادی در جامعه جهت از بین بردن استثمار و ستم طبقاتی، تلاش کنند و خود را در سراب تغییر قانون اساسی از طریق رفراندوم و غیره سرگرم ننمایند.

پیش‌برد هر حرکت مشخص مطالباتی و یا دموکراتیک و ضد رژیم، باید براساس چنین دیدی انجام پذیرد، تا در این مبارزات موفقیت‌های نسبی به دست آمده و حرکت آنها هربار پُرتوان‌تر به پیش برود. لذا سال‌گرد ۱۶ آذر امسال را باید با خواسته‌های صنفی و دموکراتیک و از جمله آزادی بی‌قید و شرط دانش‌جویان زندانی و کلیه‌ی زندانیان سیاسی، جدایی دین از دولت، رسیدگی به ثروت کلیه مسئولین، کوتاه کردن دست مذهب از مداخله در امور زنان، پرداخت حقوقهای معوقه کارگران، افشای سیاست رژیم در استخدام موقت و بی‌کار سازی کارگران، مبارزه علیه دخالت امپریالیستها در امور داخلی ایران و غیره، پیش ببرند.

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی ایران!

دست امپریالیستها از دخالت در امور خاورمیانه و ایران کوتاه!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

چاره‌ی رنجبران وحدت و تشکیلات است!

حزب رنجبران ایران - ۱۱ آذر ۱۳۸۳